

نقش هنری - اقتصادی بازار فرش دستباف تبریز^۱

مریم متفکر آزاد^۲

محمدعلی متفکر آزاد^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۲۳

تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۱۲/۸

چکیده

شهر تبریز و بازار سنتی فرش آن از جمله مراکز مهم تولید و صادرات قالی هستند. بازار فرش تبریز به لحاظ ارزش معاملات و نیز به لحاظ سهم بالای فرش در سبد صادرات غیر نفتی ایران، همچنین به لحاظ ارزش هنری، فرش‌های مورد معامله در آن از اهمیت فوق العاده‌ای بهره‌مند است. در تحقیق حاضر، شهر تبریز و ویژگی‌های قالی‌های این منطقه و مراکز مهم عرضه این هنر و صنعت چون سراها و تیمچه‌های معروف بازار سنتی فرش تبریز مطالعه شد و انواع فرش‌های ارائه شده در آن‌ها معرفی شد. هدف از این مطالعه، بررسی و شناخت بازار فرش سنتی تبریز - یکی از قطب‌های فرش ایران - و تحولات آن در سال‌های اخیر با توجه به اهمیت هنری آن بود. یافته‌ها حاکی از آن است که این بازار به لحاظ اقتصادی - تجاری در حفظ هنر قالیبافی منطقه و کشور نقش عمده‌ای دارد، به علاوه در کنار آن معماری و بافت فرهنگی - اجتماعی بازار سنتی فرش تبریز، به عنوان یک سرمایه هنری - اجتماعی اهمیت ویژه‌ای دارد. فرش‌های ارائه شده در این بازار از تنوع طرح بهره‌مند هستند.

کلید واژگان: تبریز؛ بازار؛ فرش دستباف؛ هنر؛ صادرات؛ تیمچه؛ سراها

در این راستا در پژوهش حاضر به مطالعه کلیات طرح اقدام شد و تاریخچه فرش ایران و تعاریفی از آن و فرش آذربایجان شرقی و شهر تبریز بیان و در نهایت ویژگی‌های هنری و اقتصادی بازار فرش تبریز بررسی شد.

در این پژوهش روش گردآوری مطالب کتابخانه‌ای- اسنادی و میدانی بود و شیوه تنظیم مطالب به روش تحلیلی، توصیفی بود.

پیشینه تحقیق

با توجه به بررسی‌ها و مطالعات انجام شده در روند این تحقیق، در این زمینه چندین پژوهش درباره بازارهای فرش و به ویژه فرش تبریز بررسی شد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش تبریز و تجار آن در احیای سنت قالیبافی ایران در دوره قاجاریه» به احیای دوباره تولید فرش در ایران، پس از دوران باشکوه صفویه، در اواسط دوره قاجاریه و با محوریت شهر تبریز و بازاریان و تجار آن اقدام شده است، در این پژوهش، زمینه‌های مؤثر در فرایند شکل‌گیری و گسترش این نهضت از تبریز و تأثیرات آن بر دیگر مناطق تولید فرش کشور بررسی شده است. این پژوهش نشان می‌دهد نقش تجار و بازرگانان تبریز در فرایند احیای هنر- صنعت قالیبافی ایران به اندازه‌ای است که اغلب کارشناسان، انجام موفق این مهم را مدیون بازرگانان و تولیدکنندگان تبریزی می‌دانند (میرزایی و عارف‌پور، ۱۳۹۲).

در مقاله‌ای تحت عنوان «اقتصاد فرش ایران» جایگاه فرش در اقتصاد ملی و نقش آن در ایجاد اشتغال و تولید ملی فرش ایرانی، محصول هنر و صنعت با سابقه‌ای طولانی در تاریخ ایران، بررسی شده است. این کالا در حال حاضر در رونق اقتصادی و بهبود شاخص‌های صادرات، شاهد بروز مشکلات و نارسایی‌های متعددی در انطباق با شرایط نوین بازارهای بین‌المللی و کسب موقعیتی در خور شأن خود است. در این مقاله ضمن بررسی و تبیین برخی از آمارهای صنعت فرش در اقتصاد ایران، راهبردهای پیشنهادی برای تقویت اقتصاد فرش ایرانی ارائه شده است (چاوش‌باشی، ۱۳۹۲). در زمینه فرش دستبافت و مطالعات پیرامونی بازار فرش تبریز با توجه به بررسی انجام‌شده برای این پژوهش، مطالعه تخصصی در زمینه قالی‌های ارائه شده در بازار فرش تبریز و ویژگی‌های

هنر ودیعه‌ای الهی و یکی از کشش‌های درونی و فطری انسان است، که خداوند متعال در وجود انسان قرار داده است. این جوشش فطری انسان در میان هر قوم و ملتی در اشکال گوناگون نمایان می‌شود. از دیرباز فرش و معماری تجلی‌گاه هنر ایرانی بوده است. چرا که نقشه و طرح قالی، بیان‌کننده آمال و آرزوهای گمشده بهشتی انسان است. هنر معماری نیز در ترکیب عظمت، ظریف‌کاری و طرح نقشه‌ای است که انسان دوست دارد و بنای کالبدی زندگی بر آن استوار است. گوئی موسیقی واحدی در انواع قالب‌های هنری نواخته می‌شود که انسان را به آرامش و همزیستی در اجتماع و با طبیعت فرا می‌خواند.

در این تحقیق بازار فرش تبریز به عنوان محل تجلی هر دو قالب هنری انتخاب شد، زیرا تجارت فرش که از طریق بازار فرش تبریز- به عنوان زیر مجموعه‌ای از بازار بزرگ و مسقف تبریز با معماری هنرمندانه ایرانی- انجام می‌شود، این دو قالب هنری با معیشت قشر وسیعی از مردم و اقتصاد کشور گره خورده و ماندگار شده است.

جستجوی عوامل مؤثر بر ماندگاری و رشد و بالندگی این دو قالب هنری از دلایل اجرای این پژوهش است که در عین حال اهمیت و ضرورت آن را نیز نمایان می‌کند.

از آنجا که فرهنگ و هنر هر قوم و ملتی، مهم‌ترین وجه هویتی و شخصیتی آن ملت است، لذا هر تحقیقی که به احیاء و بالندگی آن کمک کند، همواره دارای ضرورت و اهمیت است. به همین جهت بازار فرش تبریز که در خود دو هنر اصیل فرش و معماری را جای داده است، از طریق تجارت فرش ایران ماندگار شد و فعالیت آن به ماندگاری این دو هنر انجامیده است.

مسئله اصلی که محقق را بر اجرای این پژوهش واداشت، پررنگ کردن نقش بازار تبریز و نمایاندن پاسخ این سؤال اساسی بود است که فرش‌های ارائه شده در بازار سنتی فرش تبریز در سال‌های اخیر دچار تغییر و تحولات شده‌اند؟ و آیا اصالت هنری فرش‌های ارائه شده در بازار سنتی فرش تبریز حفظ شده است؟ و نقش بازار فرش تبریز در تداوم حیات این هنر اصیل ایرانی - اسلامی چگونه ایفا شده است و عوامل حفظ و بالندگی آن کدام است؟ در واقع هدف از این تحقیق این بود که با بررسی و شناخت بازار فرش سنتی تبریز، تحولات هنر فرش بافی در بازار سنتی فرش تبریز در

آن‌ها محدود بوده و انجام‌دادن مطالعات بیشتر و تخصصی‌تر در زمینهٔ قالیبافی تبریز و ویژگی‌های قالی‌های این منطقه ضروری به‌نظر می‌رسد. با توجه به اینکه بازار فرش دستباف تبریز به دلیل طرح و رنگ و کیفیت بالای قالی‌های دستباف، در معاملات بازارهای جهانی فرش نقش اساسی داشته و دارد، لذا اجرای پژوهش‌های بیشتر در زمینهٔ کیفیت و طرح و رنگ قالی‌های این منطقه در بازارهای فروش داخلی و خارجی اهمیت دارد.

تعاریفی از قالی و فرش: در تعریف فرش دستباف باید گفت که «فرشی که به وسیلهٔ بافندگان و با دست بافته شود. معمولاً اصطلاح فرش دستباف برای قالی و انواع آن گفته می‌شود. گلیم یا زیلو یا جاجیم و پلاس، اگرچه با دست بافته می‌شود، اما عنوان فرش دستباف ندارند» (دانشگر، ۱۳۷۶: ۳۱۸).

فرش دستباف ایرانی انواع مختلف دارد: از نظر سبک محلی: فرش شهری، روستایی، عشایری؛

از نظر شیوهٔ بافت: تمام لول، نیم لول، لول (تخت)؛ از نظر جنس: فرش پشمی، ابریشمی، کرک؛ از نظر اندازه: بر اساس اتاق‌های مسکونی ایرانیان، در مناطق مختلف اندازه‌هایی چون قالی ۲×۳م؛ قالیچهٔ ۱×۲م؛ ذرع و نیم ۱×۵م؛ پشتی ۱×۵م و سایر اندازه‌ها.

قالی نیز جزء انواع فرش است که «مشهورترین دستباف ایران بوده است. اندازهٔ قالی متفاوت است. قطع این دستبافته در اندازه‌های ۳×۲؛ ۳×۴؛ ۴×۴؛ ۴×۷؛ ۴/۸×۷/۲ متر مربع یا بیشتر متغیر است.» (حشمتی رضوی، ۱۳۸۰: ۵۲). در تعریف قالی می‌توان گفت که «قالی دستبافتی است پرزدار که از طریق درگیری پرز و گره زدن آن بر تار و نیز پودگذاری فراهم می‌گردد» (حشمتی رضوی، ۱۳۸۰: ۴۱۱). آمده است که «بافتن قالی یا قالیبافی اصطلاحاً به مجموعه عملیاتی گفته می‌شود که شخصی تولیدکننده و سایر افراد دست‌اندرکار این صنعت به منظور یافتن و فراهم‌سازی یک تخته قالی یا یکی از انواع آن انجام می‌دهد» (حشمتی رضوی، ۱۳۸۰: ۴۱۳).

مواد اولیه‌ای چون پشم، پنبه و ابریشم در قالیبافی استفاده می‌شوند؛ بیشتر تولیدات روستاها و ایلات را به دلیل سهولت در دستیابی به پشم، فرش‌های پشمی تشکیل می‌دهند. گوسفندانی که در کوهپایه‌های خوش آب و هوای معتدل چرا می‌کنند، بهترین پشم را دارا هستند. پنبه الیافی گیاهی است، که در تار و پود

فرش استفاده می‌شود. ابریشم نیز از مواد اولیهٔ قالیبافی بوده که برای تار و پود به کار می‌رود، چرا که تهیهٔ فرش با تار و پود ابریشمی در دوران صفویه رونق بیشتری داشته، زیرا در آن عصر، پرورش کرم ابریشم در ایران مرسوم بوده است.

فرش ایران و تاریخچهٔ آن: سرزمین ایران از گذشته‌های دور همواره مهد هنرها و به‌ویژه قالیبافی بوده است و در دوره‌های تاریخی مختلف، قالی‌های باارزش بسیاری در این سرزمین تولید شده‌اند.

قدیمی‌ترین نمونهٔ قالی متعلق به ایرانیان، قالیچه‌ای معروف به پازیریک است که آن را در گور یخ‌زدهٔ یکی از فرمانروایان سکایی در درهٔ پازیریک یافتند.



تصویر ۱: فرش پازیریک

«این فرش که قدمت آن به ۲۵۰۰ سال قبل می‌رسد. با رنگ‌های متعددی چون سرخ، سبز، آبی، نارنجی و نوعی سبز متمایل به آبی... بافته شده است. تصویرهای حاشیه آن با اشکال متداول در دورهٔ هخامنشی و نقش‌های تخت جمشید شباهت فراوان و بدون تردیدی دارند...» (نصیری، ۱۳۸۹: ۱۴).

با وجود اینکه از دورهٔ ساسانی نمونه‌ای بر جای نمانده است، ولی فرش ایران مانند دوره‌های قبل دارای اعتبار بوده است. «در دورهٔ ساسانی از فرش پشمی ایران به عنوان کالای وارداتی به چین نام می‌بردند، در ادبیات فارسی نیز به کرات از تختهٔ معروف «طاقدیس» متعلق به خسرو پرویز پادشاه ساسانی یاد شده که بر آن به روایتی چهارفرش که هر یک نشان‌دهندهٔ فصلی از سال بوده است، گسترده شده است» (نصیری، ۱۳۸۹: ۴) از دوران ساسانی به فرش معروف

«بهارستان» یا «بهار خسرو» نیز می‌توان اشاره کرد، که البته فقط اوصافی از آن باقی مانده. بعد از دوران ساسانی، فرش اصالت خود را در ایران ادامه داد، تا اینکه با حمله مغولان و ویرانگری گسترده آن‌ها، این ویرانگری فرش و کارگاه‌های قالیبافی را نیز دچار اضمحلال کرد و هنرمندان به نقاط مختلف پراکنده شده و این امر باعث رواج و ایجاد فرشبافی در روستاها شد. با وجود ویرانی‌های زیاد دوران مغولان، از این دوران قالی‌های ارزشمندی به دست آمده است، به طوری که در منابع آمده که غازان خان، اولین ایلخانی بود که قالی‌های چندی برای مقبره خالدبن ولید به دمشق گسیل داشت.

در دوره تیموری کانون‌ها و کارگاه‌های هنری تحت حمایت دربار، به تولید آثار هنری بزرگی چون کتاب‌آرایی و نگارگری و قالیبافی مشغول بودند. «در مینیاتورهای این دوران، تصویرهایی از فرش دیده می‌شود، در یکی از نسخه‌های خطی کتاب نفیس خمسه نظامی که در موزه کاخ گلستان نگهداری می‌شود، به چشم می‌خورد» (حشمتی رضوی، ۱۳۸۰: ۱۷) در این دوران با توجه به علاقه‌مندی شاهرخ^۱ به کارهای هنری زمینه‌هایی برای پیشرفت صنعت فرش فراهم بوده است. جوزف باربارو، سفیر ونیز، در دربار «اوزون حسن» مؤسس سلسله آق قویونلوها در تبریز از قالی‌های عالی موجود در کاخ این امیر سخن به میان می‌آورد. (آذرباد-حشمتی، ۱۳۷۲: ۱۴)

در دوران صفویه نیز مانند دوره تیموری، کارگاه‌های هنری هر چه بیشتر به فعالیت‌های هنری و از جمله تولید قالیهای ارزشمند مشغول بودند. «ظهور کارگاه‌های مستقل قالی بافی که در آن فقط بافتن قالی و کارهای مربوط به آن انجام می‌شده، مطمئناً از زمان صفویه در ایران شکل گرفته است» (ورزی، ۱۳۵۰: ۵۹). از جمله نمونه‌های ارزشمند قالی در این دوران، قالی مشهور اردبیل برای مقبره شیخ صفی اردبیلی است که در موزه ویکتوریا و آلبرت نگهداری می‌شود، که متعلق به زمان شاه طهماسب است. در این دوران، به دلیل رواج هنرها و به ویژه قالی بافی، شاه اسماعیل و شاه عباس صفوی چندین مرکز قالیبافی در تبریز، قزوین و سایر شهرهای ایران به وجود آوردند. قرون دهم و یازدهم هجری دوران شکوفایی و گسترش بازرگانی صنعت فرش محسوب می‌شود، به نحوی که توجه هنرمندان و گسترش امکانات از یک سو و همکاری استادان تذهیب و پیشرفت صنعت رنگرزی از سوی دیگر باعث شد که قالیبافی در این زمان مقامی

ویژه در زمینه هنر و صنعت پیدا کند. شاه طهماسب هنرمندان و صنعتگران بزرگ ایران را در تبریز گرد آورد و در همین زمان بود که تبریز به مرکز بزرگ هنر و صنعت ایران تبدیل می‌شود و دوران طلایی فرش ایران رقم می‌خورد (آذرباد-حشمتی، ۱۳۷۲: ۱۴-۱۵). بعد از دوران صفویه، هنر فرشبافی نیز مانند سایر هنرها رو به افول رفت و در دوره قاجاریه تجارت فرش که از دوره صفویه شروع شده بود، ادامه یافت و بازرگانان کارگاه‌های قالیبافی را در شهرهایی چون تبریز، بعداً در کرمان و مشهد و سایر مناطق ایجاد کردند.

فرش استان آذربایجان شرقی: استان آذربایجان

شرقی در قسمت شمال شرقی ایران قرار دارد و به دلیل آب و هوای مناسب برای کشاورزی و پرورش حیوانات، همواره در قالیبافی موقعیت مناسبی را داشته است. «فرشبافی برای قرن‌ها یکی از مشاغل سنتی آذربایجان بوده است، اما تولیدات امروز استادکاران در قیاس با آنچه در سده سیزده ه.ق/ نوزدهم م و پیش تر از آن ارائه می‌شده، از ارزش هنری کمتری برخوردار است. تحت حمایت شدید حکام هنرپرور صفوی آثار هنری بی‌همتا و زیبا و با ارزش از کارگاه‌های فرش بافی قدیم در مکان‌هایی همچون تبریز پدیدار گشتند» (یساولی، ۱۳۷۹: ۱۱).

قالیبافی در استان آذربایجان را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

گروه اول: قالی‌های شهری باف آذربایجان مانند قالی‌هایی که در شهر تبریز، مرند، مراغه و ... بافته می‌شوند.

گروه دوم: قالی‌های محلی و روستایی آذربایجان مانند فرش‌های هریس، گراوان، بخشایش، شربیان و ... که پشم آن‌ها از پشم گوسفندان عشایر تهیه می‌شود. گروه سوم: فرش‌های عشایری مانند فرش‌های عشایری شاهسون و افشار، که شباهت زیادی به قالی‌های روستایی این استان دارند.

به طور کلی می‌توان گفت که در بیشتر شهرهای آذربایجان قالیبافی رایج بوده، با این ویژگی که اصالت قالی‌های قدیمی تا حدودی حفظ شده است.

شهر تبریز: از مهم‌ترین شهرهای منطقه شمال غربی ایران و مرکز استان آذربایجان شرقی، شهر تبریز است. «تبریز در فاصله ۶۵۳ کیلومتری از تهران و ۱۶۰ کیلومتری جنوب مرز ترکیه قرار دارد. این شهر محدود است از شمال به مرند و اهر و از جنوب به مراغه و هشترود، از مشرق به سراب و میانه و مشکین شهر و از

مغرب به دریاچه ارومیه واقع است.» (دانشگر، ۱۳۷۶: ۱۴۵-۱۴۶).

تبریز شهری بوده که کلیه شرایط مورد نیاز برای قالببافی از جمله شرایط جوی و جغرافیایی، هنرمندان بزرگ طراح، مواد اولیه خوب، رنگرزان و بافندگان ماهر را در اختیار داشته تا بتواند فرش‌های زیبایی را تولید کند.

این شهر از نظر جغرافیایی دارای آب و هوای معتدل کوهستانی بوده و در آن کلیه شرایط لازم برای کشاورزی و دامداری وجود داشته است. فرآورده‌های دامی مردم هنر پرور و صنعتگر، آن را به جانب صنایع دستی به ویژه هنرهای دستی از جمله قالببافی جلب کرده است.

در زمان غازان خان، تبریز پایتخت ایران بود و یکی از قطب‌های بافندگی محسوب می‌شده است. به نحوی که تبریز همگام با هرات در زمان جانشینان هلاکو، مرکز مهم داد و ستد قالی بوده است، به ویژه در زمان صفویان که دوران ایجاد کارگاه‌های بزرگ قالببافی بوده، هنرمندان و بافندگان طراز اول گرد هم آمده، و در کارگاه‌های هنری نمونه‌های ارزشمندی را تولید می‌کردند (ژوله، ۱۳۸۱: ۱۸).

«احتمالاً سابقه قالببافی در تبریز به قرن ۱۵ میلادی باز می‌گردد. تبریز در گذشته بازار اصلی فرش ایران محسوب می‌شد و صادرات عظیم فرش ایرانی در اواسط قرن ۱۹ میلادی در تبریز شکل گرفت. قالی‌هایی که در این دوره زمانی در تبریز بافته می‌شدند، دارای طرح‌های سنتی درباری و پشم‌های بومی و زبر بودند و تنوع رنگ آن‌ها نیز محدود بود.» (استون، ۱۳۹۱: ۹۸-۹۹).

در هر دوره تاریخی، قالی‌بافی در استان آذربایجان شرقی و به ویژه شهر تبریز وارد مرحله جدیدی می‌شود و ویژگی‌های منحصر به فردی را داشته که بر غنا، ارزش و اعتبار این قالی‌ها می‌افزاید. «طرح اکثر قالی‌های بافته شده در تبریز دوران صفویه از نوع لچک و ترنج است که با عناصر اسلیمی و ختائی تزئین شده بودند. در طرح اکثر آن‌ها از اسلیمی ماری و اسلیمی گلداز در کنار عناصر ختائی استفاده شده است. همچنین در متن قالی‌های این دوره بیشتر از طرح‌های جانورانی مانند شیر، پلنگ و پرنده و صحنه‌های گرفت و گیر حیوانات به چشم می‌خورد. از رنگ‌های به کار رفته در این قالی‌ها رنگ‌های قرمز لاک‌ی، زرد نخودی، سرمه‌ای، کرم و سبز است (اقبالی، ۱۳۹۲: ۳۵). در منابع آمده است که رونق قالببافی در ایران و بازار

جهانی آن توسط بازرگانان تبریز بوده است. آن‌ها در کارگاه‌های خود به بافتن فرش‌های صادراتی طبق معیار و سلیقه اروپایی دست زدند. تأسیس کارگاه‌های قالی بافی از خود شهر تبریز آغاز شد و به شهرهای مشهد، کرمان و کاشان رسید (به آذین، ۱۳۴۴: ۸۱).

در شهر تبریز و حومه آن، حدود سال ۱۳۶۴ ه.ش/۱۹۸۵ م، بر روی ۱۶۰۰۰ دار قالی، ۳۲۱۵۰ کارگر بافنده کار کرده‌اند. در سال‌های اخیر، هنرمندان تبریزی به تولید فرش‌های گل ابریشم با رجشمار ۵۰ و ۶۰ در مقیاس وسیع روی آورده‌اند که از جمله ویژگی‌های این فرش‌ها طرح‌های لچک و ترنج و با چله ابریشم و رنگ‌های بژ روشن و نخودی در متن و رنگ‌های سرخابی، عنابی، زیتونی و سرنجی در گلها است.

«در فرش‌های دوران قاجار اندازه، نقش‌ها و نقشمایه‌های اقتباسی از دوران صفویه بوده، به خصوص ترنج مرکزی، لچک ترنج و طرح‌های شبکه‌ای که با نقش‌های اسلیمی و شاخه عباسی در سرتاسر این دوران بافته می‌شده است...» (یارشاطر و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۰۱) در دوران قاجاریه، قالی‌های بافته شده در تبریز، دارای ویژگی‌های منحصر به فردی بودند از جمله اینکه اکثر قالی‌های این دوران محرابی بودند که دارای متن ساده با تزئیناتی (شاه عباسی) در قسمت فوقانی محراب همراه بوده‌اند.

«بزرگ‌ترین ویژگی خاص قالی بافی در دوران قاجاریه ایجاد شرکت‌های چند ملیتی بود که برای قالی ایران سرمایه‌گذاری هنگفتی به عمل آوردند» (اقبالی، ۱۳۹۲: ۳۵).

«تبریز یکی از معدود شهرهای است که چه در دوران تسلط کمپانی‌های خارجی بر بازار فرش و چه پس از کاهش نفوذ تعیین‌کننده آن‌ها بر فرش، ویژگی خود را که حداقل آن حفظ مرغوبیت و جذابیت رنگ و بافت است از دست نداد» (صوراسرافیل، ۱۳۸۱: ۳۷۲).

در شهر تبریز، علاوه بر تک بافی، کارگاه‌های متعددی به قالببافی مشغول بوده‌اند. «فرش‌های جدید تبریز و اطراف آن تولیدات کارگاهی هستند. این فرش‌ها به شیوه دو پود و عمدتاً با ساختار (تار و پود) پنبه‌ای و گره متقارن (ترکی) بافته می‌شوند. قالی‌های تولیدی تبریز دارای رجشمار بالا و پرزهای کوتاه و ظریفی هستند که می‌توان آن‌ها را ظریف باف نامید. تراکم نسبی آن‌ها بین ۶۷۶ الی ۶۴۰۰ گره در دسی متر مربع است. تعدادی فرش ابریشمی نیز در تبریز بافته شده است.» (فرهنگنامه فرش شرق: ۹۸-۹۷)

۹. «کرک و ابریشم از جمله موادی هستند که در قالی‌های تبریز به وفور استفاده می‌شوند و بر مرغوبیت آن می‌افزایند به نحوی که در چهره‌بافی، تصویربافی، بافت قالی‌هایی با ابعاد غیرمتعارف (دایره، بیضی، شش ضلعی) و حجم بافی کاربرد دارند (اقبال، ۱۳۹۲: ۱۱۴).

طرح‌های رایج در فرش تبریز در هفتاد سال اخیر، با عنوان طرح گلدانی، درختی، محرابی، قندیل‌دار، حیوان‌دار، شکارگاه، هراتی، شاخ و برگ، گل‌فرنگ، بندی خشتی یا قاب‌قابی، منظره بافی، قاب‌قرانی و نقش‌های هندسی در اندازه‌های مختلف بافته شده است.

از هنرمندان و اساتید بزرگ قالی بافی آذربایجان و به‌ویژه تبریز که در رشد هنر فرش‌بافی این منطقه نقش بسزایی داشته‌اند، می‌توان از استاد احمد عماد نام برد که «جزء اولین کسانی است که به بافت فرش‌های تابلویی اقدام نمود» (دانشگر، ۱۳۷۶: ۱۹۰). از دیگر اساتید مشهور تبریزی می‌توان از استاد محمد حسین بنام نام برد، این استاد معروف هنر فرش‌بافی تبریز با استفاده و الهام از طبیعت و مظاهر آن و گل و بوته‌ها به خلق آثار باشکوهی دست زد. از دیگر اساتید استاد غلامحسین خیابانی، استاد علی پور حلاجی و دیگران را می‌توان نام برد.

صادرات فرش ایران و تبریز: صادرات فرش در ایران همواره رو به رشد و ترقی بوده که این رشد دارای روندی یکنواخت و مستمر نبوده است. به دلایل مختلف تولید و تجارت آن دچار نوسانات متعددی شد. بروز جنگ جهانی دوم به مقدار جالب توجهی در میزان تولید و صادرات فرش ایران تأثیر گذاشت، تنها بعد از خاتمه جنگ و فراغت مردم از مشکلات ناشی از آن و فراوانی مواد اولیه این کالا بود که مجدداً صنعت و تجارت فرش روند رشد و ترقی خود را ادامه داد. صادرات فرش ایران در سال‌های اخیر به کشورهای مختلف انجام شده است. آلمان، امارات، ژاپن، لبنان، قطر، ایتالیا، سوئیس، انگلستان، کانادا و برزیل ده کشور اول هستند که صادرات فرش دستبافت ایران را به خود اختصاص داده‌اند. این کالای هنری از بازارهای شهرهایی چون تبریز، کاشان، اصفهان و مشهد و سایر مناطق صادر می‌شود. تجارت فرش‌های اصیل هنری (دستبافت) کل استان آذربایجان شرقی از طریق بازار فرش تبریز انجام می‌شود.

«از دهه هفتم قرن گذشته تا سال ۱۳۱۴ شمسی، فعالیت‌های فرش دستبافت ایران تا حدود زیادی در دست تعدادی از شرکت‌های خارجی مانند شرکت

انگلیسی - سوئیسی زیگلر در اراک و شرکت امریکایی قالی شرق و شرکت عثمانی ایتالیایی (نیر کاستل) در تبریز و کرمان و بالاخره کمپانی شرق در کرمان متمرکز بود که هر کدام از آن‌ها برابر با سلیقه مشتریان خارجی خود در نقاط یاد شده و سایر مراکز بافندگی مستعد، فعالیت‌هایی را در زمینه تولید و بازرگانی فرش دنبال می‌کردند. بازده کار آن‌ها به این حرفه و هنر که در اواخر دوره قاجاریه، آخرین مراحل نزولی خود را می‌گذرانید، رونق و اعتباری شایان توجه داد و همچنین موجبات شناسایی قالی ایران را در بازارهای جهانی فراهم ساخت.» (اقبال، ۱۳۹۲: ۱۱۵).

در دوران قاجاریه و در آغاز پادشاهی ناصرالدین شاه، ترکیه بازاری برای فروش قالی ایران به بازرگانان خارجی شد. چون قالی‌های کهنه همه در این بازار به فروش می‌رفت، بازرگانان تبریز برای تأمین فرش این بازار، همتی کردند و در اراک، تبریز، کرمان و مشهد کارگاه‌های قالی بافی دایر کردند و تاریخ جدیدی در قالی‌بافی ایران آغاز شد. تجارت فرش مهم‌ترین فعالیت تجاری ایران شد و فرش که تا چندی پیش از آن، تنها برای رفع نیاز بازارهای داخلی بافته می‌شد، به عنوان یک کالای صادراتی و در رابطه با تقاضای بازار جهانی در نظر گرفته شد (آذرباد-حشمتی، ۱۳۷۲: ۱۴-۱۵).

امروزه نیز در بازارهای داخلی قالی‌های دستبافت با توجه به نیاز بازار تهیه و تولید می‌شوند. به عنوان نمونه در شهر تبریز امروزه در بیشتر سراهای قالیبافی، فرش‌های دارای رجشمار بالا به فروش می‌رسد که به صورت فرش‌های داخلی و صادراتی هستند. مثلاً در سرای جعفریه که فرش‌های روستایی به فروش می‌رسد، نیز فرش‌ها صادراتی بوده‌اند.

سایر مناطق مشهور بافت قالی در استان آذربایجان شرقی علاوه بر شهر تبریز شهرهایی چون مرند، هریس، سراب و سایر مناطق هستند.

مرند: قالی‌های بافته شده در شهر مرند، جزء قالی‌های شهری باف محسوب می‌شوند. نقشه قالی‌های بافته شده در این شهر، شباهت زیادی به قالی‌های تبریز دارند. قالی‌های بافته شده در این شهر، سفت و استخوانی بوده‌اند و طرح «حسن نجاری» در این شهر معروف است.

هریس: قالی‌های بافته در هریس، جزء گروه قالی‌های روستایی محسوب می‌شوند. نقش قالی‌های هریس هندسی با رجشمار ۱۸ تا ۲۵ گره است. این نقشه‌ها از ترکیب خطوط افقی، عمودی و مایل تشکیل می‌شود که به طور ذهنی بافته می‌شود. «طرح مسلط

در قالی‌های هریس طرح لچک و ترنج با حاشیه‌ی سماوری است که بر اساس شکل ترنج اسامی گوناگونی به خود می‌گیرد» (نصیری، ۱۳۸۹: ۱۲۲).

سراب: شهر سراب به دلیل داشتن قالیچه‌های کناره نرم و بلند در اندازه‌های مختلف از ۸ - ۲۵ پا شهرت یافته است. «این کناره‌ها دارای متن شتری رنگ زیبایی با ترنج‌های لوزی شکل مسی رنگ است» (ادواردز، ۱۳۶۸: ۸۰).



تصویر ۲: فرش هریس

بازار تبریز - تعریف بازار: «واژه بازار در فارسی میانه «داد» و آن به صورت‌های «وازار» و یا ترکیب‌هایی مانند «وازارگ» (بازاری) و «وازرگان» (بازرگان) به کار می‌رفته و در پارتی به صورت «واژار» استعمال شده است» (سایت علمی پژوهشی فرش ایران) این واژه اسم مکان، به معنی محل خرید و فروش کالا بود. در اقتصاد سنتی ایران بازار معمولاً مکانی مسقف بود که در آن صنایع مختلف در راسته‌های خاص خود به داد و ستد اشتغال داشته‌اند، بدین ترتیب بازار سنتی به دلیل مرکزی‌تری که در امور اقتصادی و تجاری داشت، خود به خود به مرکز زندگی سیاسی نیز تبدیل می‌شد. آمده است که «بازار جای داد و ستد و خرید و فروش کالاها، محل اجتماع فروشندگان و خریداران است. به عبارت دیگر (بازار) شبکه‌ی روابط بین مبادله‌کنندگان یا مرکز سازمان یافته‌ی برخورد عرضه و تقاضای مربوط به کالاها و خدمات معین می‌باشد که در نهایت به تعیین قیمت آن کالا یا خدمات می‌انجامد. همواره لازم نیست (بازار) در یک محل

معین ایجاد شود.» (دانشگر، ۱۳۷۶: ۷۴).

- عناصر و فضای معماری بازارها: راسته اصلی، راسته فرعی، دالان، چهارسو، میدان، جلوخان، حجره، (دکان)، کاروانسرا، تیمچه، قیصریه است.

راسته اصلی: مهم‌ترین بخش یک بازار ایرانی بوده و به شکل خطی در امتداد مهم‌ترین راه بازار قرار داشته است.

راسته فرعی: علاوه بر راسته‌های اصلی، از راسته‌های فرعی نیز تشکیل شده‌اند، که به صورت موازی یا عمود بر راسته اصلی هستند.

دالان: یک فضای ارتباطی است که نقش رابط بین فضای بیرونی با فضای درونی را دارد.

چهارسو: محل تقاطع دو راسته اصلی و مهم را گویند.

میدان: در کنار بازارها، در شهرها معمولاً یک میدان قرار داشته چرا که بازار مهم‌ترین راه و معبر شهر بوده است.

جلو خان: به شکل میدانچه بوده است که یک فضای ارتباطی محسوب می‌شود. از چهار یا سه طرف محصور بوده است.

- عناصر سازنده فضای داخلی بازارها: حجره (دکان)، کاروانسرا، تیمچه و قیصریه است.

حجره (دکان): مهم‌ترین عنصر یک بازار سنتی ایرانی است که در دو طرف راسته قرار می‌گیرد.

کاروانسرا: (سراها) کاروانسراها، همانند پاساژهای امروز هستند، فضاهایی درون‌گرا و دارای حیاط مرکزی هستند که حجره‌هایی در چهار سمت آن در یک یا دو طبقه قرار دارند. نمونه آن در بازار تبریز، سرای بزرگ امیر را می‌توان نام برد.

تیمچه: به کاروانسرا (سرای) کوچک تیمچه گویند. تیمچه‌ها به دلیل سرپوشیده بودن، مکان مناسب برای عرضه کالاهای گران‌بها چون فرش هستند، که نمونه ارزشمند آن را می‌توان تیمچه مظفریه تبریز نام برد.

قیصریه: به صورت معابر عریضی هستند که شبکه‌های بازار را به هم وصل می‌کنند.

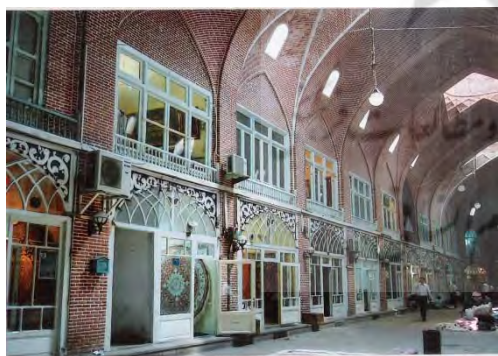
بازار تبریز - بازار فرش تبریز: شهر تبریز به دلیل قدمت طولانی که دارد، همواره دارای بناهای قدیمی و باشکوهی از ادوار مختلف تاریخی است که از جمله این بناها می‌توان از بازار قدیمی تبریز، بزرگ‌ترین و جامع‌ترین بازار جهان اسلام نام برد که قدمت آن به سده چهارم ه.ق/ دهم م می‌رسد.

سنتی فرش تبریز محل فروش و صادرات قالی‌ها و فرش‌های ارزشمند دستباف روستایی و شهری است که به دلیل مرغوبیت فرش‌های عرضه شده در آن و قدمت آن در عرضه این کالای هنری-اقتصادی با ارزش، سهم عمده‌ای در ایجاد اشتغال این کالای هنری و تجارت آن در داخل و خارج از کشور داشته است. فرش‌های عرضه شده در بازار تبریز محصول دسترنج بافندگان زبردست روستائی در مناطقی چون هریس و بخشایش و زرنق و همچنین بافندگانی در مناطق شهری مانند تبریز، سراب، مرند، آذرشهر و ... و نیز کارگاه‌های بزرگ بافت فرش دستباف در شهر تبریز است.

فروشنندگان قالی‌ها در سراها و تیمچه‌های بازار فرش تبریز، فرش‌های فروشی را به صورت سفارشی یا با مراجعه بافنده به آن‌ها خریداری می‌کنند. هریک از سراها و تیمچه‌ها فرش فروشی در بازار تبریز، عمدتاً نوع خاصی از فرش‌ها می‌فروشند، به عنوان مثال گروهی فرش‌های روستائی، گروهی فرش‌های ابریشمی را به فروش می‌رسانند.

در بازار سنتی و قدیمی تبریز از مجموع مغازه‌ها تعداد ۶۳۰ مغازه و حجره به فرش فروشی و فعالیت‌های جانبی و مربوط به آن اختصاص یافته است.

از جمله سراها و تیمچه‌های معروف و بزرگ فرش فروشی در بازار تبریز عبارتند از :

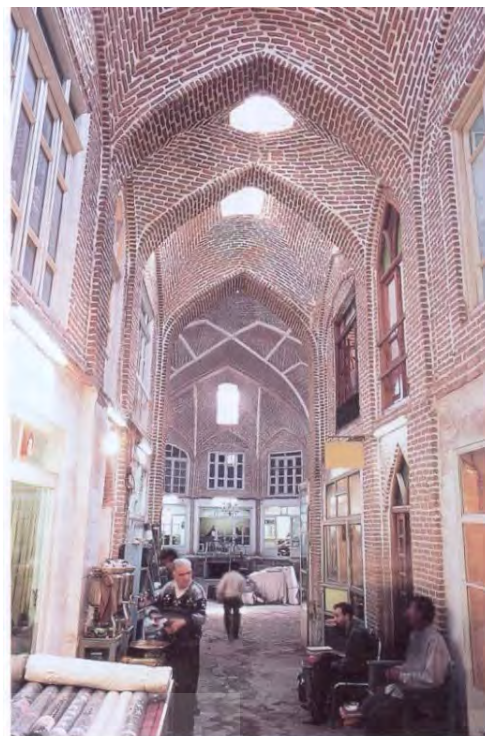


تصویر ۴: تیمچه مظفریه

تیمچه مظفریه، سرای امیر، راسته بازار جدید، راسته بازار قدیم، سرای احمدیه، سرای جعفریه، سرای حاج حسین جدید، دالان شعر بافان، سرای میرزا جلیل و سایر سراها است که چندین نمونه محدود آن به طور مختصر توضیح داده می‌شود.

تیمچه مظفریه: بانی این بازار حاج شیخ محمد

۱. یافته محقق از طریق مصاحبه با تجار فرش بازار تبریز

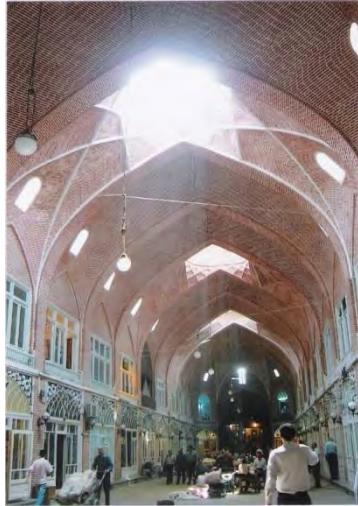


تصویر ۳: بازار تبریز

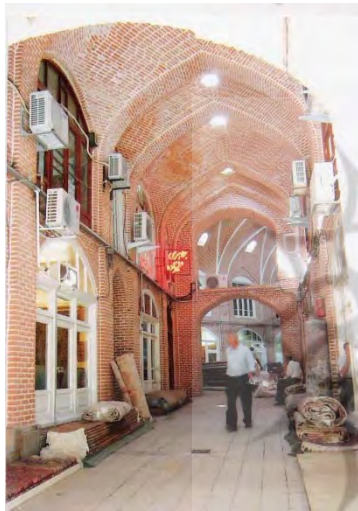
«سبک معماری به ویژه طاق و گنبدسازی آن از نظر معماری در خور اهمیت است و مراکز مذهبی این بخش نیز قابل ملاحظه است. سبک معماری، آرایش مغازه‌ها، تیمچه‌ها، کاروانسراها، دالان‌ها، راسته‌ها، انواع مشاغل و وجود تعدادی مدرسه و مسجد که پیشینه تاریخی دارند، بازار تبریز را نمونه عالی یک محیط تجاری و معماری اسلامی و شرقی قرار داده است.» (وبگاه آفتاب).

در شهر تبریز، بازار سنتی همواره یکی از مکان‌های برگزاری مراسم مذهبی بوده است. نمونه بارز آن بازار فرش (به ویژه تیمچه) مظفریه است. در دهه اول ماه محرم، بازاریان تمام نقاط این تیمچه را سیاه پوش کرده و دسته‌های عزاداری، در آن مراسم برگزار می‌کنند. این حرکت از نقش مهم بازار و به ویژه بازار فرش تبریز در تحولات مذهبی و سیاسی و اجتماعی حکایت می‌کند، چنانکه علاوه بر مراسم مذهبی، در برهه‌های تاریخی که تحولات سیاسی و اجتماعی در ایران نضج گرفته، بازارها نیز نقش خود را به خوبی ایفا کرده‌اند. نمونه بارز آن انقلاب اسلامی است که بازاریان با بستن بازارها بر علیه رژیم شاه به پا خواستند و نقش عمده‌ای در پیروزی آن ایفا کرد.

همان‌طور که اشاره شد، یکی از اجزاء اساسی بازار سنتی تبریز، بازار فرش آن است. بازار فرش تبریز را سراها و تیمچه‌های مختلف تشکیل می‌دهند، بازار



تصویر ۵: تیمچه مظفریه



تصویر ۶: سرای امیر

جعفر قزوینی بوده و متعلق به زمان ولیعهدی مظفرالدین میرزای قاجاری است که در سال ۱۳۱۵ ه.ق / ۱۸۹۸ م ساخته شده است.

این تیمچه بزرگ‌ترین و زیباترین گنبد و تیمچه فرش فروشی محسوب می‌شود. «مظفریه دارای ۲ طبقه بوده که ۲۶ حجره در طبقه هم کف و ۲۶ حجره در طبقه دوم احداث شده است» (خاماچی، ۱۳۷۵: ۲۸۲). امروزه نیز این مکان از مهم‌ترین مراکز عمده تجارت فرش آذربایجان و مرکز صادرات قالی آن است.

سرای امیر: بازار تاریخی امیر در جنوبی‌ترین قسمت بازار قرار دارد و متعلق به عهد فتحعلی شاه قاجار است. بانی این بازار میرزا محمد خان امیر نظام زنگنه بود که به سال ۱۲۵۵ ه.ق / ۱۸۳۹ م ساخته شده است. بنای این بازار از یک سرای بزرگ و تیمچه تشکیل شده و از نظر معماری و اقتصادی نقش بسزایی در بازار تبریز ایفا کرده است.

این بازار که به صورت کاروانسرا و تیمچه بوده، دارای ۱۶ باب مغازه است. «تیمچه و سرای امیر یکی از مراکز عمده صادرات قالی تبریز و روستا باف به سراسر دنیا می‌باشد» (خاماچی، ۱۳۷۵: ۲۷۲).

سرای احمدیه: از سراهای معروف دیگر بازار تبریز، سرای احمدیه است که به سال ۱۳۵۰ ه.ش / ۱۳۹۱ ه.ق / ۱۹۷۱ م تأسیس شده است. این سرا از گذشته تاکنون محل فروش فرش بوده است و فرش‌های عرضه شده در آن فرش تبریز اعلیٰ با رجشمار ۵۰ است، که اکثراً صادراتی هستند.



تصویر ۷: سرای احمدیه

نمونه فرش‌های موجود در بازار تبریز:



تصویر ۱: تبریز (ماهی مارالان)



تصویر ۸: فرش تبریز (جدید)



تصویر ۱۱: تبریز (شیخ صفی)



تصویر ۹: فرش تبریز (قدیمی)



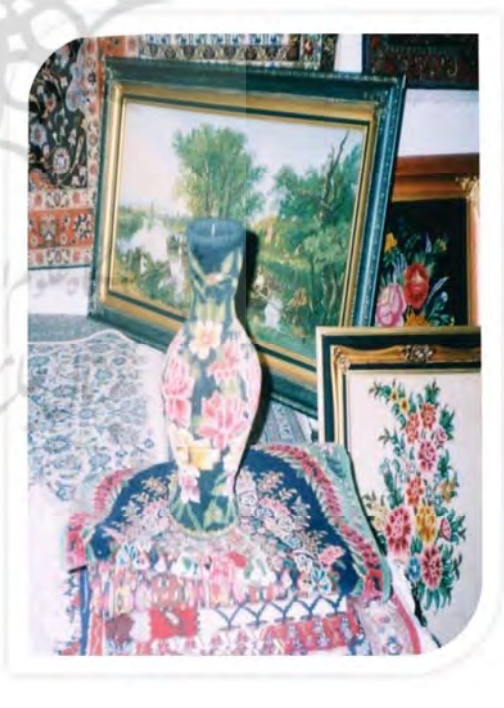
تصویر ۱۴: کناره سراب



تصویر ۱۲: تبریز (تابلو فرش)



تصویر ۱۵: اهر



تصویر ۱۳: تبریز (حجم بافی)

نتیجه‌گیری

بازارها همواره در اقتصاد، تجارت و فرهنگ هر جامعه‌ای نقش اساسی ایفا کرده‌اند. فرش دستباف یکی از هنرهای بومی ایرانی در عرصه اقتصادی، هنری و فرهنگی حضور داشته است. این هنر-صنعت ایرانی علاوه بر معرفی هنر و فرهنگ اصیل ایرانی، به لحاظ اقتصادی در حالیکه ارزبری قابل اغماضی دارد، یکی از کالاهای ارزآور صادرات سنتی ایران محسوب می‌شود. به‌علاوه نقش عمده‌ای در ایجاد اشتغال دارد. فرش دستباف به‌طور عمده از بازارهای شهرهایی چون تبریز، کاشان، اصفهان و مشهد به کشورهای مختلف صادر می‌شود. بازار فرش دستباف (هنری) تبریز، بزرگترین بازار مسقف خاورمیانه است. در این میان تجارت فرش‌های اصیل هنری (قالی دستباف) کل استان آذربایجان شرقی از طریق بازار فرش تبریز انجام می‌شود.

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که در بازار تبریز حدود ۶۳۰ واحد فرش فروشی به کار داد و ستد فرش مشغول هستند. که به‌طور عمده در قالب سراها و تیمچه‌ها فعالیت می‌کنند. در روند تحقیق معلوم شد که هر یک از این سراها و تیمچه‌ها به فروش نوع خاصی از قالی‌ها مشغول هستند، مثلاً گروهی فرش‌های نو و گروهی فرش‌های کهنه را خرید و فروش می‌کنند (به‌طور عمده برای صادرات). همچنین گروهی از تیمچه‌ها، فرش‌های شهر تبریز و گروهی دیگر فرش‌های روستائی (اطراف) را داد و ستد می‌کنند.

از دیگر یافته‌های مطالعه حاضر آن است که فرش‌های بازار فرش تبریز از نظر هنری اسامی گوناگون دارند، نظیر «فرش ماهی» که معروف‌ترین آن‌ها است. هر یک از این اسامی نیز عناوین ریزتری را شامل می‌شود، مانند «کمال‌الملک»، «تقی‌زاده» و برخی نیز به نام شهرهای محل بافت نامیده می‌شوند، همچون فرش هریس، فرش مرند، فرش خوی که در بازار فرش تبریز، اصطلاحاً تحت عنوان فرش روستائی خرید و فروش می‌شوند. رنگ‌ها و طرح‌های هریک از آن‌ها با دیگری متفاوت است. نکته مهم دیگر در خصوص رنگ فرش سنتی تبریز و اطراف است که در گذشته عمدتاً رنگ‌های گیاهی به کار می‌رفت. این کار از نظر ثبات و زیبایی حائز اهمیت بوده است، لیکن متأسفانه در چند دهه گذشته رنگ‌های شیمیایی به‌طور وسیع وارد گردونه رنگی فرش استان شده و



تصویر ۱۶: ورنی شاملو اهر



تصویر ۱۷: هریس

کیفیت آن را به طور جدی زیر سؤال برده است. نکته دیگر اینکه در بین فرش‌های بازار فرش دستباف تبریز، فرش هریس از یک جنبه دیگر نیز مهم است و آن این است که فرش‌های کهنه بافت هریس (به لحاظ استحکام و دوام آن) ارزشمند و به طور خاص بازار صادراتی دارند.

متأسفانه نتیجه حاصل از کار میدانی در بخش اقتصادی تحقیق حکایت از رکود نسبتاً طولانی بازار خارجی فرش تبریز و ایران دارد. برخی از مصاحبه‌شوندگان حمایت دولت از صادرات فرش را ناکافی می‌دانستند و معتقد بودند که دولت به‌رغم حمایت‌های داخلی از صادرکنندگان، در عرصه بین‌المللی اقدام اساسی و مؤثری برای جلوگیری از تولید و عرضه فرش ایران توسط برخی کشورها نظیر چین، پاکستان، ترکیه انجام نداده است. به نظر می‌رسد دفاع از مالکیت فکری، هنری و حفظ اصالت هنر زیبای فرش ایران حمایت‌های بیشتر دولت را می‌طلبد. از آنجا که تداوم حیات هنر فرش دستباف با صادرات آن گره خورده است و متأسفانه به علت اینکه به موقع ثبت جهانی مالکیت فکری فرش ایرانی انجام نشده است، کشورهایی نظیر چین و پاکستان به کپی برداری و بافت فرش‌های نقشه ایران اقدام کرده‌اند، لذا اقدامات مناسب دولت برای دفاع از این هنر اصیل به عنوان دفاع از حقوق فکری، هنری، اقتصادی ملت در عرصه‌های جهانی ضروری و اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد، در غیر این صورت با رکود صادرات فرش، بیم آن می‌رود که این هنر غنی که ترجمان زیبایی طبیعت در ذهن بشر است و در عین حال نقش مهمی در اقتصاد دارد، با خطر اضمحلال مواجه شود.

پیشنهادات: پیشنهاد می‌شود که دولت و نهادهای دست‌اندر، کار صادرات فرش را به منظور حفظ و ماندگاری این هنر اصیل و ارتقاء نقش اقتصادی آن در اقتصاد ملی و معیشت قالیبافان تبریز، شیوه بازاریابی علمی تولید برای صادرات را بر اساس سلیق و تقاضای بازارهای صادراتی فرش تبریز و درآمد و توان پرداخت مشتریان خارجی آن و با شیوه‌های سهل و نوین عرضه کالا با استفاده از تجربیات فعالان با سابقه فرش دستباف بازار تبریز و متخصصان بازاریابی سامان‌دهی کنند.

پی‌نوشت‌ها

۱. از سلاطین سلسله تیموری بود. بعد از مرگ تیمور بر سر حکومت بین نوه‌های او جنگ بود. در همان زمان شاهرخ تنها فرزند زنده ذکور تیمور در خراسان حکومت خود را تثبیت کرد و بر بیشتر قسمت‌های شمال مرکزی ایران حکومت می‌راند. مرکز حکومت او هرات بود. (کنبای، ۱۳۸۲: ۵۰)

منابع تصاویر

- تصویر ۱: فرش پازیریک، نصیری، محمد جواد، افسانه جاویدان فرش ایران، تهران: فرهنگسرای میر دشتی، چاپ ایبانه، چاپ اول ۱۳۸۹، منبع ۷، ص ۱۵.
- تصویر ۲: فرش هریس، یساولی، جواد، مقدمه ای بر شناخت قالی ایران، چاپخانه پدیده، تهران: فرهنگسرا، چاپ اول ۱۳۷۰، منبع ۱۰، ص ۱۹۹.
- تصویر ۳: بازار تبریز، تصویر از نگارنده.
- تصویر ۴: تیمچه مظفریه، تصویر از نگارنده.
- تصویر ۵: تیمچه مظفریه، تصویر از نگارنده.
- تصویر ۶: سرای امیر، تصویر از نگارنده.
- تصویر ۷: سرای احمدیه، تصویر از نگارنده.
- تصویر ۸: فرش تبریز جدید، تصویر از نگارنده.
- تصویر ۹: فرش تبریز قدیم، تصویر از نگارنده.
- تصویر ۱۰: تبریز (ماهی مارالان)، تصویر از نگارنده.
- تصویر ۱۱: تبریز (شیخ صفی)، تصویر از نگارنده.
- تصویر ۱۲: تبریز (تابلو فرش)، تصویر از نگارنده.
- تصویر ۱۳: تبریز (حجم بافی)، تصویر از نگارنده.
- تصویر ۱۴: کناره سراب، تصویر از نگارنده.
- تصویر ۱۵: اهر، تصویر از نگارنده.
- تصویر ۱۶: ورنی شاملو اهر، تصویر از نگارنده.
- تصویر ۱۷: هریس، تصویر از نگارنده.

منابع

- آذرباد، حشمتی (۱۳۷۲). *فرشنامه ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).
- ادواردز، سیسیل (۱۳۶۸). *قالی ایران*، ترجمه مهین دخت صبا، تهران: فرهنگسرا.
- استون، پیترا، اف (۱۳۹۱). *فرهنگنامه فرش شرق*، ترجمه: بیژن اربابی، تهران: جمال هنر.
- به آذین، محمود (۱۳۴۴). *قالی ایران*، تهران: فرانکلین.
- حشمتی رضوی (۱۳۸۰). *فصل ۱، فرش ایران*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- خامچی، بهروز (۱۳۷۵). *بازار تبریز در گذر زمان*، تبریز: آشینا.
- دانشگر، احمد (۱۳۷۶). *فرهنگ جامع فرش یادواره*، تهران: یادواره اسدی.
- ژوله، تورج (۱۳۸۱). *پژوهشی در فرش ایران*، تهران: یساولی.
- کنبای، شیلا (۱۳۸۱). *نگارگری ایرانی*، ترجمه مهناز شایسته فر، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- نصیری، محمد جواد (۱۳۸۹). *افسانه جاویدان فرش ایران*، تهران: فرهنگسرای میردشتی.
- ورزی، منصور (۱۳۵۰). *هنر و صنعت در قالی ایران*، تهران: رز.

Dokht Saba, 1989, Tehran: Farhangsara, (Text in Persian).

Heshamti Razavi, F., (2001). *Persian Carpet*, Tehran: Iran Culture Studies, (Text in Persian).

Khamachi, B., (1996). *Tabriz Bazaar Through the Ages*, Tabriz: Ashina, (Text in Persian).

Nasiri, M., (2010). *The Eternal Tale of Persian Carpet*, Tehran: Farhangsaraye-Mirdashti, (Text in Persian)

Stone, P., (2012). *The Oriental Rug Lexicon*, Bizhan Arbabi, 2012, Tehran: Jamal Honar, (Text in Persian).

Varzi, M., (1971). *Art and Industry in Iranian Carpet*, Tehran: Rose, (Text in Persian).

Yassavoli, J., (2000). *Persian Rugs and Carpets*, Shahla Toulaei, 2000, Tehran:Yasavoli, (Text in Persian).

Yasavoli, J. (1991). *An Introduction to Persian Carpets: a Survey of the Carpet - Weaving Industry of Persia.*, Tehran: Farhangsara, (Text in Persian).

Zhule, T.(2001). *A Research on Iranian Carpet*, Tehran:Yasavoli, (Text in Persian).

Iran scientific and research site, www.rugart.org

15.Site: aftar.ir.

یساولی، جواد(۱۳۷۹). *قالی و قالیچه‌های ایران*، ترجمه شهلا تولایی، تهران: یساولی.

یساولی، جواد(۱۳۷۰). *مقدمه ای بر شناخت قالی ایران*، تهران: فرهنگسرا.

سایت: سایت علمی و پژوهشی ایران. www.rugart.org
سایت : aftar.ir.

References

Azarpad , H. & Heshamti Razavi, F., (1993). *Farshnameh Iran:The Book of Iranian Carpet*, Tehran: Center of Cultural Studies and Researches, (Text in Persian).

Behazin, M., (1965). *Iranian Carpet*, Tehran: Maad, Frankiline, (Text in Persian).

Canby, Sh., (2001). *Persian Painting, Mahnaz Shayestefar*, 2002, Tehran: Institute for Islamic Art ,(Text in Persian).

Daneshgar, A., (1997). *The Unabridged Badvareh Persian Carpet Dictionary*, Tehran: Yadvareh Asadi, (Text in Persian).

Edwards, A., (1987). *The Persian Carpet: a Survey of Carpet - Weaving Industry of Persian*, Mahin



Artistic – Economic Role of Hand-Woven Carpet Market of Tabriz¹

M. Motafakker Azad²
M.Motafakker Azad³

Received: 2014.10.15
Accepted: 2016.2.27

Abstract:

Tabriz and its traditional carpet Market are considered as important centers of carpet production and export. The carpet market of Tabriz is so important due to its trade value, high portion of its share in non-oil exports of Iran and also aesthetic value of traded carpets in it. Present research studies City of Tabriz, characteristics of its carpets as well as the main supply centers of given art and the industry of famous plazas and malls of Tabriz traditional carpet market and introduces various carpet types available in them. Present study aims to review and identify Tabriz traditional carpet market - one of Iran's carpet poles -, its evolution and changes through recent years considering its aesthetic value. The findings indicate that the mentioned market has a major economic-commercial role in preservation of carpet-weaving art of this region and country. Besides, the architecture and cultural-social texture of Tabriz traditional carpet market has a special importance as an artistic -social asset. The supplied carpets in this market have various designs.

Keywords: Tabriz, Bazaar, Hand – Woven Carpet, Art, Export, Malls, Plazas.

1. DOI: 10.22051/jjh.2017.176.

2. Instructor of Carpet, Tabriz Islamic Art University, Tabriz,Iran, (Corresponding Author) m.motafakker@tabriziau.ac.ir

3. Prof. of Economics, Tabriz University, Tabriz,Iran, m.motafakker@gmail.com